

عالمن را حججات اهل علم از حضرت معلوم محروم نموده چنانچه آنجناب آگاه شدند و در یوم ظهور نیز اعظم از افق عالم اسرار مستوره کشف شد و بر هر صاحب بصری واضح و میرهن گشت در قرون و اعصار بذکر حق جل جلاله مشغول و باسم مبارکش بطراز عزت کبری مزین و در مجالس و محافل بكلمه توحید ناطق و از طول غیبت متأسف و محزون و چون صحی ظهور دمید و آفتاب حقیقت از افق عالم اشراق نمود کل بسب و لعن مشغول ایکاش باینمقدار کفایت مینمودند بالأخره فتوی بر قتل سید عالم دادند باری اوهمات قبل سبب و علت این خطاء اکبر شد حال مجده اهل بیان بهمان قدمها مشی مینمایند بگوئید ایغافلین در ثمرهای حزب قبل تفکر نمائید شاید متینه شوید و بساط ظنون و اوهامرا باسم مالک انام بپیچید در قول خود را اعلی العالم مینمایند ولکن در یوم امتحان اخسر از جمیع ملل مشاهده گشته است از حق میطلیم آنجناب را مؤید فرماید بر استقامت کبری لله بگوئید و الى الله دعوت نمائید شاید هیکل عالم از غبار ظنون و اوهام ظاهر شود و بطراز اطمینان و یقین مزین گردد اولیاء آن ارض را تکبیر برسانید و باذکار قلم اعلی متذکر دارید که شاید مجده سیل کذب باز نشود کل مبدع و مرجع را بیابند و بحق وحده ناظر باشند اینست امر میر که ظاهر شد امید هست که اهل آن دیار عرف ایام را بیابند و منقطعًا عن الكل راجع شوند قل

الهی الهی انا الّذی اقبلت اليک و تمسّکت بعروة فضلك اسئلک بنسایم ایامک و نفحات وحیک و الأسرار الّتی كانت مكتونة فی علمک و بالسّفينة الّتی جعلتها لأهل البهاء فی كتابک بأن تؤدّنى على القيام على خدمة امرک ای رب لا تنظر الى نفسی و ما عندی بل الى بحر فضلك و سماء جودک و شمس کرمک الهی الهی اجد عرف ظهورک من اثر قلمک الأعلی و اريد القيام لدى بابک و الحضور امام عرشک لأرى ما خلقت العيون لرؤیته و اسمع ما ذوقت الآذان لاصغائه او تكتب لی يا الهی من القلم اجر لقائک و ما ينبغي لفضلك و جودک انک انت ارحم الرّاحمين لا الله الا انت العلیم الحکیم